نگاهی به ریشه‌های برخورد خونین هندوهای افراطی با مسلمانان

انحراف نژادپرستانه در سرزمین ۷۲ ملت

گزارش
سید نعمت‌الله عبدالرحیم‌زاده

شبکه یک تلویزیون آلمان روز چهارشنبه ۲۶ فوریه گزارشی از درگیری‌های خونین بین هندوها و مسلمانان در شهر دهلی‌نو پخش کرد و نکته قابل توجه در این گزارش میزان شدت این درگیری‌ها بود به نحوی که طی چند دهه گذشته بی‌سابقه بوده است. علاوه بر شدت درگیری‌ها، دست‌های پشت پرده نگرانی دیگر این جریان است چنان که مقاومت دولت‌های محلی حتی در مقابل احکام دادگاه‌ها نشان می‌دهد که درگیری‌ها تنها نزاع بین شهروندانی از دو طرف نیست بلکه سیاستمداران این کشور از درگیری‌های خونین برای پیشبرد سیاست‌های افراطی ملی‌گرایانه خود بهره‌برداری می‌کنند. خودداری دولت ایالتی اوتارپرادش از اجرای حکم دادگاه عالی این ایالت نمونه بارز دخالت سیاستمداران و دولتمردان هندی در این درگیری‌ها است چراکه آنان نام و هویت معترضین به قانون اخیر شهروندی را بر بیلبوردهایی به نمایش گذاشته‌اند و با این کار، مستقیماً جان این افراد را در معرض خطر قرار داده‌اند. به این ترتیب، سیاستمداران افراطی هندو و در ورای آن دولت مرکزی این کشور سمت و سوی درگیری‌ها را به جهتی کشانده‌اند که باید نگران پیامدهای پاکسازی قومی در این کشور بود و به سختی می‌توان گفت که هند خواهد توانست آن کشور ۷۲ ملت باشد.

■ هندوهای افراطی

در صف ملی‌گراهای افراطی هندو نام دو جریان بیش از هر چیز دیگری به چشم می‌خورد. نام نخست مربوط می‌شود به حزب بهاراتیا جاناتا به رهبری نارندرا مودی که از ۲۰۱۴ تاکنون پست نخست‌وزیری این کشور را در اختیار دارد. هر چند این حزب در مقابل احزاب ریشه‌داری مثل حزب کنگره ملی هند، سابقه چندانی ندارد و تأسیس آن به سال ۱۹۸۰ بازمی‌گردد اما تنها طی دو دهه، با توسل به شعارهای تند ملی‌گرایانه توانست در میان هندوهایی متعصب جایی برای خود دست و پا کند و از ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۴ قدرت را به دست بگیرد. هرچند این حزب مجدداً قدرت را از دست داد اما نارندرا مودی با تکیه بر همین قشر متعصب توانست بار دیگر و در انتخابات پارلمانی ۲۰۱۴ رقیب خود از حزب کنگره ملی هند- منموهان سینگ- را از گردونه رقابت کنار بزند و زمام امور را در این کشور به دست بگیرد و این مقام را در انتخابات سال گذشته میلادی برای یک دوره دیگر تمدید کرد. نام دیگر در کنار حزب بهاراتیا جاناتا متعلق به سازمانی است که هر چند گفته می‌شود شاخه عملیاتی این حزب است اما سابقه‌اش بسیار طولانی‌تر از آن است و حتی به قبل از استقلال هند از بریتانیا در سال ۱۹۵۰ بازمی‌گردد. این سازمان به نام سازمان ملی داوطلبی یا سازمان ملی میهن‌پرستی، آراس‌اس، خوانده می‌شود که به تأسیس ۹۴ سال قبل و در سپتامبر ۱۹۲۵ بازمی‌گردد. گفته می‌شود این سازمان با داشتن ۶ میلیون عضو بزرگ‌ترین سازمان غیردولتی در جهان است و مبنای نظری آن متکی بر روایت به شدت افراطی از دین هندو و ضدیت با اسلام است تا آنجا که موهان بهاگوات، رهبر آراس‌اس، در سپتامبر ۲۰۱۴ مدعی شد که هجوم مسلمانان هند را دچار تفرقه کرد و باعث شد گروه‌ها و قبایل در هند به وجود بیایند یا این که یکی دیگر از رهبران این سازمان به نام سورش جوشی در دسامبر ۲۰۱۸ مدعی شد هندوها سکنه اصلی هند هستند و از ناحیه مسلمانان مورد تهاجم قرار گرفتند. نگرش به شدت افراطی این دست رهبران هندو و پیوند و وابستگی نزدیک آنان به حزب تحت رهبری مودی به خوبی نشان می‌دهد که یک جریان ایدئولوژیک افراطی و نژادپرستانه ریشه‌دار زمام سیاست در هند را در دست دارد و با توجه به این جریان است که دست پشت پرده درگیری‌های اخیر به خوبی دیده می‌شود.

■ اقدامات و قوانین نژادپرستانه

مودی در انتخابات پارلمانی ۲۰۱۹ با شعار «من هم یک نگهبان(چوکیدار) هستم» وارد عرصه رقابت‌های انتخاباتی شد. هر چند او همواره تلاش داشته بگوید تفسیر و تعبیر عنوان چوکیدار به معنای نگهبانی از اموال مردم در مقابل فساد و دزدها است اما وقتی که در جریان همین کارزار انتخاباتی به ایالت اوتارپرادش رفت، نشان داد که نگهبانی او به معنای دقیق کلمه دلالت بر ملی‌گرایی افراطی هندویی دارد که به خصوص جامعه مسلمان هند را مورد هدف قرار داده است. او برای این که رأی اکثریت هندو را به دست بیاورد همراه با سروزیر این ایالت یوگی آدیتیانات از ساختن معبد رام بر زمین غصب شده مسجد بابری حمایت کرد. به عبارت دیگر، مودی در دور اول نخست‌وزیری خود بیشتر تکیه بر برنامه‌های اصلاحی و اقتصادی داشت اما در کارزار انتخاباتی ۲۰۱۹ نشان داد که نقش نگهبانی او از مبارزه با فساد تغییر جهت داده و رو به جامعه مسلمان هند کرده است. اولین گام او، لغو امتیازهایی بود که طبق ماده ۳۷۰ قانون اساسی هند به ایالت جامو و کشمیر اعطا شده بود. دولت مودی با لغو این ماده از قانون اساسی هند نه تنها خودمختاری و حقوق ویژه جامو و کشمیر را لغو کرد، بلکه این ایالت را به دو منطقه با نام‌های جامو و کشمیر با پارلمان محلی و لداک بدون پارلمان محلی تقسیم کرد. به این ترتیب، مسلمانان این ایالت هم حقوق سابق خود را از دست می‌دادند و هم بخشی از ایالت و معلوم بود که دولت مودی با تقسیم این ایالت برنامه مفصلی را برای پاکسازی قومی در نظر دارد. با این حال، برنامه پاکسازی قومی او بسیار گسترده‌تر از یک ایالت است و با تصویب قانون اخیر جدید شهروندی، معلوم شده که او قصد اجرای پاکسازی قومی در کل هندوستان را دارد.

> **اگر این دولت همچنان چندین سال دیگر حکومت کند ممکن است این قانون اساسی را تغییر دهد، طوری که اصل سکولار را از آن حذف کرده و بندهای نژادپرستانه را به آن اضافه کند تا اولویت و تقدم را به هندوها بدهد**

بر اساس قانون جدید، هر شهروند غیرمسلمان از کشورهای همسایه بنگلادش، افغانستان و پاکستان که تا پیش از سال ۲۰۱۵ وارد هند شده‌اند، می‌توانند از تابعیت هند برخوردار شوند. شکی نیست که تنظیم‌کنندگان این قانون با آوردن قید غیرمسلمان به طور خاص این بخش از جامعه هند را مورد هدف قرار داده‌اند تا این بخش را از حقوق اولیه خود در جامعه هندی محروم کنند. اولین نمونه از اجرای این سیاست نژادپرستانه در ایالت آسام واقع در شمال شرق هند نمودار شد. دولت محلی این ایالت فهرستی از طرح ثبت احوال ملی منتشر کرد که در آن فقط نام ۳۱ میلیون و ۱۰۰ هزار نفر دیده می‌شد و خبری از یک میلیون و ۹۰۰ هزار نفری در آن نبود که اکثر آنها مسلمانان ساکن این ایالت هستند. دولت آسام با این کار مسلمانانی را در فهرست خود قرار نداد که طی جنگ استقلال بنگلادش در ۱۹۷۱ به هند آمده بودند و به این وسیله آنها را از حقوق شهروندی محروم کرد. حالا این نوع اقدام با تصویب و اجرای قانون شهروندی در سرتاسر هند اجرا می‌شود تا این که نه تنها آن یک میلیون و ۹۰۰ هزار مسلمان در ایالت آسام، بلکه صدها هزار مسلمان در دیگر مناطق هند از جمله جامو و کشمیر با این قانون تهدید به سلب تابعیت شوند. دولت آسام همزمان با به‌روزرسانی فهرست شهروندان خود، اردوگاه‌هایی برای اخراج به اصطلاح مهاجران برپا کرده بود که باید گفت این اردوگاه‌ها را صرفاً برای مسلمانان سلب تابعیت شده راه‌اندازی کرد تا راه اخراج آنان از هند را هموار کرده باشد. می‌توان انتظار داشت که این اردوگاه‌ها در آسام برنامه مقدماتی برای یک پاکسازی گسترده باشد که دولت مودی در جهت به حاشیه راندن مسلمانان هند در نظر گرفته است.

■ پاکسازی قومی

نکته جالب توجه، در توجیهی است که مودی برای تصویب این قانون ذکر کرده است. او در صفحه توییتری خود نوشت: «این قانون باعث کاهش رنج افراد بسیاری خواهد شد که به دلایل مذهبی تحت پیگرد و آزار هستند.» این کلمات به ظاهر انسان‌دوستانه بهانه‌ای است تا او به دلایل مذهبی رنج افراد بسیاری را افزایش دهد که تعداد آنها از چند میلیون نفر هم بیشتر می‌شود. این توجیه مودی آن‌قدر نخ‌نما است که دفتر حقوق بشر سازمان ملل متحد در ژنو اقدام دولت مودی را تبعیض‌آمیز خوانده و اعلام کرده قانون جدید آن «موجب تضعیف حقوق برابری مقابل قانون می‌شود، حقی که در قانون اساسی هند تصریح شد و دولت هند نیز با امضای کنوانسیون حقوق بشر سازمان ملل متعهد به آن شده است.» باید گفت نگرش نژادپرستانه بهاراتیا جاناتا و آراس‌اس به طور کامل سرلوحه برنامه مودی را تشکیل داده تا آنجا که انتظار می‌رود او تا مرحله تغییر قانون اساسی هند برای تنزل مسلمانان هندی به شهروندان درجه دو پیش رود. این نکته‌ای است که ظفر اسلام‌خان، سردبیر روزنامه ملی گازیت هند، به آن اشاره کرده و با نژادپرست خواندن دولت فعلی هند، تعارض اقدامات این دولت با قانون اساسی هند را خاطرنشان می‌کند و در عین حال می‌گوید: «اگر این دولت همچنان چندین سال دیگر حکومت کند ممکن است این قانون اساسی را تغییر دهد، طوری که اصل سکولار را از آن حذف کرده و بندهای نژادپرستانه را به آن اضافه کند تا اولویت و تقدم را به هندوها بدهد.» این اتفاق مربوط به آینده‌ای دور نیست و همچنان که دولت مودی به خود اجازه داد تا ماده ۳۷۰ قانون اساسی را لغو کند، به طور حتم این قصد را هم دارد تا با تغییر قانون اساسی هند، برابری تمام هندی‌ها در مقابل این قانون را به نفع هندوها و علیه مسلمانان هند تغییر دهد. در واقع، با توجه به سکوت جامعه جهانی است که قادر به انجام این کار خواهد شد و اگر جامعه جهانی همانند قضیه جامو و کشمیر سکوت کند، این بار هم شاهد اعمال سیاست‌های نژادپرستانه در ابعادی به اندازه تمام هند خواهد بود.

امریکا و طالبان
برنده دو تحلیفی شدن افغانستان

رویکرد
سید عباس حسینی

تلاش‌های امریکا از یک سو و رایزنی‌های برخی شخصیت‌های داخلی افغانستان چون حامد کرزی، رئیس‌جمهور پیشین و رسول سیاف، از رهبران جهادی برای حل بن‌بست انتخابات ریاست جمهوری و میانجی‌گری بین محمداشرف غنی و دکتر عبدالله عبدالله به نتیجه نرسید.

قرار بود مراسم تحلیف ریاست جمهوری محمد اشرف غنی به تاریخ ۸ اسفند و دکتر عبدالله عبدالله نیز در همین محدوده برگزار شود، اما با پادرمیانی زلمی خلیلزاد، فرستاده ویژه امریکا برای صلح افغانستان و به منظور برگزاری مراسم امضای توافق‌نامه صلح این کشور با گروه طالبان، با ۱۱ روز تأخیر، به ۱۹ اسفند موکول شد که روز دوشنبه برگزار شد.

پیش از این، به دنبال دور جدید سفر زلمی خلیلزاد به کابل، پس از امضای توافق صلح با طالبان در قطر، گزارش‌هایی منتشر شد که این فرستاده ویژه امریکا، این بار با یک طرح جدید در مورد بن‌بست انتخاباتی وارد افغانستان خواهد شد. او در روزهای گذشته با رهبران حکومت وحدت ملی و چهره‌های سیاسی دیدار و گفت‌وگو کرد. در این بین گزارشی منتشر شد که محمد اشرف غنی به خلیلزاد وقت ملاقات نداده است؛ گزارشی که از سوی ریاست جمهوری رد شد و در نهایت، جمعه‌شب خلیلزاد و اشرف غنی با یکدیگر دیدار کردند.

با نزدیک شدن به زمان برگزاری مراسم تحلیف (۱۹ اسفند) تلاش‌های خلیلزاد برای توافق بین این دو نامزد پیشتاز انتخابات ریاست جمهوری، شدت بیشتری به خود گرفت. او در طول ۲۴ ساعت منتهی به ۱۹ اسفند، نزدیک به ۱۰ بار و متواتر با محمد اشرف غنی و عبدالله عبدالله در مورد توافق سیاسی و تقسیم قدرت دیدار و گفت‌وگو کرد. در این مورد، بر اساس گزارش‌های غیررسمی، طرح‌های مختلفی از جمله تقسیم ۵۰-۵۰ و ۴۰-۶۰ قدرت و ایجاد پست نخست‌وزیری برای عبدالله عبدالله یا ادامه ساختار کنونی ریاست اجرایی حکومت روی میز بوده است، اما به دنبال لجاجت‌های اشرف غنی برای نپذیرفتن پست معادل نخست‌وزیری و کنار نیامدن عبدالله با سهم ناچیزتر از قدرت، به نتیجه نرسیده است.

این در حالی است که عملاً ظرفیت داخلی افغانستان برای پایان دادن به بن‌بست انتخاباتی در داخل کشور وجود ندارد و به نوعی، نگاه همگان به سوی امریکا و رویکرد این کشور است. در این زمینه، تلاش‌ها و دیدارهای چند روزه حامد کرزی، رییس‌جمهور پیشین افغانستان و همچنین عبدالرب رسول سیاف، از رهبران جهادی این کشور برای میانجی‌گری بین محمد اشرف غنی و عبدالله عبدالله به نتیجه‌ای نرسید. در نتیجه، همه نگاه‌ها معطوف به امریکا بود. امریکا نیز در نوع رویکرد خود در هفته‌های اخیر، به خصوص قبل و بعد از امضای توافق صلح با طالبان، به روشنی نشان داد که این توافق، خروج از افغانستان و ادغام طالبان در نظام سیاسی و جامعه کشور، خط قرمز این کشور است، اما عملاً هیچ برنامه کارسازی برای حل بن‌بست انتخاباتی به عنوان مانع اصلی در برابر اجرا شدن توافق صلح با طالبان در دست ندارد؛ برعکس، به نظر می‌رسد امریکا از بن‌بست هرچه بیشتر سیاسی در شرایط کنونی افغانستان استقبال می‌کند، چه این که تداوم این بن‌بست، می‌تواند زمینه تشکیل یک حکومت موقت و عبوری را برای نهایی‌سازی روند صلح، تغییر قانون اساسی افغانستان و برگزاری یک انتخابات فراگیر دیگر با حضور طالبان فراهم کند. در این زمینه، رئیس جمهور، وزیر خارجه و دیگر مقام‌های امریکایی به وضوع نشان داده‌اند که دیگر تمایلی برای دولت‌سازی در افغانستان ندارند و اساساً برنامه‌ای هم برای این مسئله ندارند؛ بلکه فقط با اعمال فشار و هشدار به رهبران حکومت، به دنبال آن هستند که دستاورد صلح اخیر با طالبان خدشه‌دار نشود.

> **هرچند روز دوشنبه دو فرد سوگند ریاست جمهوری خوردند ولی قطعاً حکومت‌داری، قدرت، امکانات مالی و همچنین توان نظامی در اختیار محمداشرف غنی خواهد بود**

صحبت‌های برخی چهره‌های نزدیک به عبدالله عبدالله نیز حاکی از رویکرد نادرست و انحرافی امریکایی‌ها پیرامون حل بن‌بست انتخابات ریاست جمهوری است. همایون همایون، عضو کمیسیون برگزاری مراسم تحلیف عبدالله عبدالله، به دنبال تلاش‌های امریکا به خصوص زلمی خلیلزاد، فرستاده ویژه این کشور برای صلح افغانستان، گفته است که وضعیت از کنترل غنی و عبدالله خارج شده و مسئله اساسی این است که رئیس‌جمهوری امریکا برای دو ماه حکومت تازه می‌خواهد و بعد از آن، حکومتی با مشارکت طالبان تشکیل شود. این سخنان به روشنی بیانگر این مسئله است که امریکا حامی به بن‌بست کشیدن سرنوشت انتخابات ریاست جمهوری افغانستان بوده است.

در چنین شرایطی، متأسفانه نوع رویکرد رهبران سیاسی افغانستان هم به گونه‌ای بوده که چشم‌انتظار اقدام بعدی امریکا، برنامه و طرح این کشور و میانجی‌گری امریکایی بوده‌اند. این رویکرد در مورد عبدالله عبدالله بیشتر برجسته و قابل مشاهده بوده تا محمداشرف غنی که به نظر می‌رسد در شرایط کنونی رابطه چندان خوبی با امریکا و میانجی‌گران امریکایی نداشته باشد. محمداشرف غنی تاکنون در مورد رهایی بی‌قید و شرط ۵ هزار زندانی طالبان مقاومت کرده اما عبدالله عبدالله در اظهاراتی، اعلام کرد از رهایی این زندانیان طالب، بدون آمادگی و مذاکره برای آن، حمایت می‌کند. برداشت‌ها از گفت‌وگوی اخیر تلویزیونی عبدالله عبدالله با تلویزیون طلوع‌نیوز هم این‌گونه است که او برای حل بن‌بست انتخاباتی، آماده معامله است؛ هرچند تأکید می‌کند بر مواضع اساسی خود پایبند هستند. او در طول هفته‌ها و ماه‌های اخیر بیشترین همراهی را با رویکردها و مقام‌های امریکایی داشته، شاید به این دلیل که اطمینان بیشتری را در مورد خود در طرف مقابل ایجاد کند اما غافل از این که دست امریکا برای حل بن‌بست سیاسی موجود خالی است و این کشور، برعکس از ادامه این بن‌بست برای زمینه‌سازی تشکیل دولت موقت نفع می‌برد.

اما نکته جالب این که برخلاف این فرضیه و احتمال نزدیکی عبدالله عبدالله با امریکایی‌ها، به دنبال به بن‌بست رسیدن مذاکرات برای توافق این چهره سیاسی، محمد اشرف غنی در یک اقدام زیرکانه، امریکایی‌ها را به طرف خود کشاند. محمد اشرف غنی در آخرین لحظات مذاکرات خلیلزاد با او و عبدالله عبدالله، در مورد رهایی بی‌قید و شرط ۵ هزار زندانی طالبان، آماده‌سازی تیم مذاکره‌کننده حکومت و هموارسازی مسیر اجرای توافق‌نامه صلح امریکایی، چراغ سبز نشان داد و به دنبال آن، با ناکامی رایزنی‌ها بین این دو رهبر، خلیلزاد، کاردار سفارت امریکا و همچنین فرمانده نیروهای امریکا در افغانستان، در مراسم تحلیف محمد اشرف غنی حاضر شده و به او تبریک گفتند و این‌گونه، امریکا عبدالله عبدالله را از میدان به‌در کرد؛ هرچند خلیلزاد تأکید کرده همچنان به دنبال توافق بین این دو است.

در چنین شرایطی، با ادای سوگند ریاست جمهوری دو تن در افغانستان، بن‌بست انتخابات ریاست جمهوری وارد فاز جدیدی به نام بن‌بست حکومت‌داری شده است. تداوم این وضعیت، بیش از پیش عرصه را مردم تنگ خواهد ساخت و حکومت را بیش از پیش تضعیف خواهد کرد. قطعاً از این وضعیت، هم امریکا و هم طالبان بیشترین بهره را خواهند برد اما حتی به باور کسانی که سال‌ها با امریکا کار کرده‌اند، این نتیجه، یک شرم‌ساری بزرگ برای امریکا و متحدینش است. رحمت‌الله نبیل، از نامزدان انتخابات ریاست جمهوری افغانستان و رئیس سابق امنیت ملی این کشور که سال‌ها با امریکایی‌ها کار کرده، در واکنش به انجام تحلیف دو رئیس جمهور در کابل گفت: «در حقیقت امروز روز ناکامی امریکا و متحدینش در افغانستان است. مطمئن هستم آنها احساس شرم می‌کنند».

در مورد وضعیت افغانستان پس از دو تحلیف ریاست جمهوری نیز باید گفت، هرچند روز دوشنبه دو فرد سوگند ریاست جمهوری خوردند ولی قطعاً حکومت‌داری، قدرت، امکانات مالی و همچنین توان نظامی در اختیار محمد اشرف غنی خواهد بود. دکتر عبدالله عبدالله در طول پنج سال گذشته حتی در دریافت هزینه کارمندان و مصارف دفتر ریاست اجرایی حکومت با مشکل مواجه خواهد بود و پس از این نیز، بدون داشتن توان مالی و همچنین توان امنیتی و نظامی حکومت، به غیر از راه‌اندازی اعتراض‌های مردمی و نافرمانی‌های مدنی، کار دیگری از پیش نخواهد برد.

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی حوزه ثبتی شهرکرد بخش ده استان چهارمحال و بختیاری

به دستور مواد ۱ و۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین نامه قانون فوق الذکر املاکی که در هیات مندرج در قانون مذکور مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک شهرکرد مورد رسیدگی و رای آن صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می‌گردد:

املاک واقع در مزرعه شوره بومی شهرکرد بشماره پلاک ثبتی ۹ - اصلی

- ۱۲۸۷فرعی آقای اکبر سهرابی نسبت به سه دانگ مشاع از ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۲۹۹,۸۸ متر مربع خریداری شده مع الواسطه از عصمت ریاحی

- ۱۲۸۷فرعی آقای رمضان سهرابی فیل آبادی نسبت به سه دانگ مشاع از ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۲۹۹,۸۸ متر مربع خریداری شده مع الواسطه از عصمت ریاحی

املاک واقع در ابنیه فرخشهر به شماره پلاک ثبتی ۲۱ - اصلی

- ۲۸۲۷ فرعی آقای علی رضاپوران ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۱۳۲,۶۴ متر مربع خریداری شده مع الواسطه از کمال طاهری

املاک واقع در قریه فرخشهر بشماره پلاک ثبتی ۲۲- اصلی

- ۷۰۸۴ فرعی آقای ایمان شاهرخیان قهفرخی ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۲۱۲,۱۹ متر مربع خریداری شده مع الواسطه از احسان مقدس

املاک واقع در مزرعه نوغفران

بشماره پلاک ثبتی ۴۹- اصلی (از مزارع شهر کیان)

- ۶۱ فرعی آقای جلال الدین نکویی شهرکی نسبت به سه دانگ مشاع از ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۲۰۱,۲۲ متر مربع خریداری شده مع الواسطه از هرمز نکویی و شرکاء

- ۶۱ فرعی آقای شهاب نکویی نسبت به سه دانگ مشاع از ششدانگ یک باب خانه به مساحت ۲۰۱,۲۲ متر مربع خریداری شده مع الواسطه از هرمز نکویی و شرکاء

به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی این آگهی نسبت به املاک فوق الذکر در دو نوبت به فاصله ۱۵روز از طریق روزنامه کثیرالانتشار و محلی آگهی و در صورتی که اشخاص ذینفع به آرای صادره اعتراضی داشته باشند باید تا دو ماه ازتاریخ انتشار اولین آگهی در شهرها و ازتاریخ الصاق آگهی در روستاها اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه دو شهرکرد تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید وگواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت ناحیه دو شهرکرد تحویل دهد. در این صورت اقدامات ثبت، موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است. درصورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد با معترض، گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نکند، اداره ثبت محل مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

ایرج علیاری
سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه دو شهرستان شهرکرد

انتشار آگهی نوبت اول: سه شنبه ۱۳۹۸/۱۲/۶
انتشار آگهی نوبت دوم: چهارشنبه ۱۳۹۸/۱۲/۲۱

آگهی ابلاغ صورتمجلس عدم قابلیت افراز پلاک ۴۲۹۸ فرعی از ۱۵۱ اصلی

سند مالکیت ششدانگ یک قطعه زمین به شماره ۴۲۹۸ فرعی از ۱۵۱ اصلی قطعه ۲۷۰ تفکیکی واقع در کرج جز حوزه ثبتی ناحیه یک کرج به مساحت ۳۹۶ متر مربع ذیل ثبت ۱۸۷۶۱۹ صفحه ۵۸۱ دفتر ۱۰۶۳ با شماره چاپی ۵۲۶۷۶۵/۳ بنام خانم رکسان رخان اجلالی صادر و تسلیم شد سپس تمامی ششدانگ پلاک مرقوم برابر سند قطعی شماره ۲۸۷۶۵ مورخه ۱۳۸۰/۸/۹ دفتر ۴۲ کرج به آقای مهدی و خانمها الهام و مهدیه شهرت همگی حسین آبادی و آقایان محمد و طه شهرت هر دو افشار و خانم فاطمه سلیمان نژاد هر کدام نسبت به یک دانگ مشاع از ششدانگ منتقل شد. در ادامه آقای طه افشار و خانم فاطمه سلیمان نژاد مورد مالکیت خود را طی سند قطعی شماره ۱۶۹۵۷ مورخه ۱۳۸۹/۱۲/۱۲ دفتر ۱۰۲ کرج به آقای محمد افشار منتقل نمودند. حال اینکه با عنایت به مراتب فوق، آقای محمد علی مرندی به موجب وکالتنامه‌های ۱۰۱۳۱- ۱۳۹۸/۵/۱۲ و ۱۰۳۳۰-۱۳۹۸/۷/۲دفتر ۱۶۴ کرج به وکالت از طرف آقای مهدی و خانمها الهام و مهدیه شهرت همگی حسین آبادی مالکین مشاعی پلاک فوق الذکر و به موجب درخواست وارده به شماره ۱۳۹۸۲۱۷۳۱۰۰۹۰۵۰۸۴۷ مورخه ۱۳۹۸/۹/۲۷ و نیز برابر نامه شماره ۱۳۹۸۸۵۶۵۳۵۷۳۰۰۰۳۱۷ مورخه ۱۳۹۸/۱۰/۲۸ دفترخانه ۱۰۲ کرج به استناد قانون افراز و فروش املاک مشاع تقاضای افراز سهمی موکلین خود به طرفیت دیگر مالکین مشاعی را نموده است که انجام آن برابر مقررات به نماینده ثبت محول گردید که مطابق ماده دو آیین نامه قانون افراز و فروش املاک مشاع نماینده ثبت گواهی نموده است که سند مالکیت معارض ثبت و صادر نگردیده، لذا با عنایت به نامه شماره ۱۳۹۸۸۵۶۳۱۰۰۹۰۲۰۰۲۹ مورخه ۱۳۹۸/۱۰/۱۱ موضوع افراز پلاک فوق به اطلاع شهرداری مرکزی کرج رسانیده شد و به موجب نامه شماره ۱۳۶۳۸۰/۳/۶۷ مورخه ۱۳۹۸/۱۰/۱۵ معاونت شهرسازی و معماری شهرداری کرج با افراز پلاک ۴۲۹۸/۱۵۱ به علت مغایرت با ضوابط شهرسازی مخالفت نموده و پلاک فوق را غیر قابل افراز اعلام نمود. که در این رابطه صورتمجلس عدم قابلیت افراز به شماره ۱۳۹۸۸۵۶۳۱۰۰۹۰۲۲۵۹۷ مورخه ۱۳۹۸/۱۱/۱۰ صادر و جهت ابلاغ به خواهان و خواندگان از طریق شعبه اجرای ثبت کرج اقدام شد. لیکن با توجه به اعلام شعبه اجرای ثبت کرج صورتمجلس عدم افراز به خواندگان ابلاغ نگردیده، فلذا با عنایت به مراتب فوق و دراجرای ماده ۱۸ آئین نامه اجرای اسناد رسمی لازم الاجرا یک نوبت در روزنامه رسمی جهت ابلاغ آگهی تا چنانچه متقاضی و دیگر مالکین مشاعی نسبت به این صورتجلسه عدم قابلیت افراز اعتراضی دارند ظرف مدت ده روز پس از نشر این آگهی اعتراض خود را به دادگاه صالح محل وقوع ملک ارائه، در غیر این صورت این اداره وفق مقررات به وظیفه قانونی خود عمل می‌نماید.

۹۸/۷۲۲۴/ف/ عباسعلی شوش پاشا – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک کرج